

نویسنده: پال کریگ رابرتس  
مترجم: م. انگرگر

## جهان با دور انداختن دالرمی تواند جلو بش را بگیرد

نتایج حمله آمریکا یا اسرائیل بردستگاه های ذروی ایران چه خواهد بود؟  
درسخنرانی های فارم جهانی صلح پردانا سیانتست عرصه طبابت استرالیا دکتر هلن کالدی کات تحلیلی توأم با  
صلاحیت عرضه داشت و ثابت نمود که تأثیرات ویرانگر این حمله و نتیجه تشعشعات ذروی آن بر زندگی انسان چه  
خواهد بود.

داکتر کالدی کات پرده از روی مرگ های فاجعه بار یک حمله عادی بر این تأسیسات و اثرات دراز مدت آن در افزایش  
مرگ های ناشی از سرطان برداشت.

او گفت: «هرگاه این حمله با سلاح های ذروی صورت بگیرد - چنانکه برخی از مشاوران دیوانه بش در حلقه  
مشاوران تازه محافظه کار و افراطی اوتوصیه میکنند - نفوس بسیاری از کشورها برای چندین نسل از ذرات  
رادیواکتیف که در هوا، آب و زنجیره مواد غذایی خواهد آمیخت رنج خواهند برد و شماره مردگان به چندین میلیون  
خواهد رسید.

توجیه این حمله به نام "امنیت آمریکا" یا "هژمونی و عظمت آمریکا" بدترین شکل شرارت است که بشر تا کنون دیده  
است و شرارت آن از ظلم و ستم رژیم های نازی و کمونستی بسیار فراتر میرود.

داکتر کالدی کات نتایج دراز مدت و وحشتناک یورانیومی را که از جنگ افزارهای آمریکایی در برخورد جاری نظامی  
با عراق خالی می شود با تفصیل توضیح نمود.

کالدی کات شرح داد که "یورانیوم خالی شده" به معنای تشعشعات خالی شده نیست. او گفت هر بار که این گونه جنگ  
افزارها به کار گرفته می شود ذرات رادیواکتیف در فضا انتشار می یابد و شش های مردم آنرا جذب میکند.

ماهوز باید منتظر بمانیم تا میزان تلفات غیرنظامی تجاوز آمریکا را در میان مردم عراق و یا میزان راستین تلفات آن  
را در میان سربازان آمریکایی بدانیم.

داکتر کالدی کات ابراز حیرت نمود که چرا جهانیان در برابر آمریکا نمی ایستند و این جرایم ضد بشری را مجبور به  
توقف نمی سازند.

تنها یک تن مفهوم حیرت او را دریافت. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه. (مترجم قبل از آن که به ترجمه سخنان  
پوتین بپردازد احساس می کند ذکر این نکته ضروری باشد که پوتین می خواهد اعتبار خدشه دار شده کشور خود را پس  
از تجاوز برافغانستان دوباره برقرار نماید. اگر او واقعاً بدانچه میگوید اعتقاد دارد نمیدانم چرا پلان های تجاوزی  
آمریکا را در شورای امنیت ملل متحد ویتو نمی کند و در حالی که از زورگویی های آمریکا در کنفرانس امنیت میونخ  
سروصدا می اندازد حق ویتو خود را برای کدام روز مبادا نگاه میدارد. نگارگر)

پوتین در چهل و سومین کنفرانس امنیت میونخ برای رهبران جهان که در آنجا گردآمده بودند گفت:

«آمریکا تلاش دارد که "جهانی یک قطبی" ایجاد نماید یعنی "یک مرکز واحد قدرت" و "یک ارباب واحد نیرومند".

پوتین گفت: «این هدف فورمولی برای فاجعه است.»

او به راستی گفت که: «ایالات متحد آمریکا در تمام زمینه ها از مرزهای خود بیرون شده است و می خواهد که خود را  
بر دیگر دولتهای جهان تحمیل نماید.»

رهبر روسیه اعلام نمود: «ماهیت گونه اثری از کف نفس و خود داری نمی بینیم. آنچه هست همین استفاده گسترده  
از نیرو است.»

پوتین گفت: «برای جلوگیری از فاجعه باید بر ساختن گلی امنیت جهانی تجدید نظریه عمل آید.»

راستگویی های پوتین با گوشه های کر روبرو شد. سناتور جان مک کین که نادان ترین و خطرناک ترین "رهبر" آمریکا  
بعد از بش و چینی میباشد انتقاد قانونی پوتین را "مقابله با آمریکا" پنداشت.

عروسک های تازه آمریکا در اروپای مرکزی و شرقی و سکرتر جنرال ناتوی یعنی سازمانی که دیگر بیمان دفاعی اروپا  
نیست بلکه نیروی نظامی است که می خواهد آرزوی آمریکا را برای ایجاد یک امپراتوری تحقق بخشد با استدلال مک  
کین ابراز هماهنگی کرد و گفت: «روسیه با ارزشهای اساسی دیموکراسی های ابرو-اتلانتیک اختلاف اساسی دارد.»  
حتی خبرنگار امنیتی و دفاعی بی بی سی را بواسن نیز برجست و خویشتن را در موتر سرویس پروپاگند آمریکایی  
افگند و برگفته های پوتین بر چسپ احیای جنگ سرد را زد.

در کنفرانس امنیتی نماینده هیچ دولت بر نخاست تا این حقیقت را آفتابی نماید که این روسیه نیست که به بهانه های صد  
بار بیهوده تر و کاذب تر از بهانه های هتلر بر کشورهای دیگر تجاوز میکند و برای هژمونی و تسلط نظامی در خاک  
دیگران سیستم های سلاحی بر قرار می نماید.

شیوه برخوردی که دیگران در برابر گفته های پوتین نشان دادند برای روسیه، چین و هرکشور دیگر که فریب رشوه دهی ها و تهدیدهای امریکا را نمی خورند و در انگیزه عظمت طلبی امریکا اشتراکی ندارند آشکار ساخت که امریکا هیچ گونه علاقه به صلح ندارد. عاقلان خوب و به تحقیق میدانند که ادعای امریکا در مورد این که آن کشور یک نیروی معنوی و دیموکراتیک است تنها بهانه ای است که در پشت آن پالیسی های تجاوز نظامی پنهان شده است. پوتین گفت: "امریکا از یک برخورد به سوی برخورد دیگر شتافته است بدون این که راه حلی به یکی از آنها هم عرضه نماید."

پوتین مکرراً و با تأکید فراوان درباره مقاصد صلح جویانه روسیه سخن گفته و ابراز آرزومندی نموده است که کشورش بر اقتصاد خود عطف توجه و از مسابقه تسلیحاتی تازه اجتناب نماید.

پوتین در سخنرانی خود به یاد بود شستمین سال پیروزی بر فاشیسم گفت: "من بدین نتیجه رسیده ام که برای دوستی و برادری مان دیگر جاگزینی وجود ندارد. روسیه حاضر است با همسایگان نزدیک خود همه کشورهای جهان مناسباتی برقرار نماید که نه تنها ناشی از درسهای گذشته باشد بلکه به سوی یک آینده مشترک نیز ملتفت گردد."

پوتین در سال ۲۰۰۶ هنگام خطاب به ملت اشاره نمود که بودیجه نظامی امریکاییست و پنج برابر روسیه میباشد. او رژیم بُش را با گرگی مقایسه نمود که هر که را بخواد بدون شنیدن یک کلمه از او میخوردش.

پروپاگاندچیان امریکایی پوتین را به دلیل این که میخواد استقلال سیاسی و اقتصادی کشورش را حفظ نماید مردی شیطان صفت معرفی میکنند.

رژیم بُش امریکارا از چوکات قوانین بین المللی بیرون کشیده به طور یک جانبه و دلخواه عمل نموده کاذبانه میگوید که تجاوزات نظامی امریکا "دفاعی" و با منافع صلح سازگار است. بسیاری از مردم دنیا ریا کاری و خطر رژیم بُش را در توجیه بکاربرد بی مهار نیروی نظامی امریکا خوب میدانند، لکن جُز کشورهای صاحب نیروی اتمی دیگران نمی توانند با آن مقابله کنند و طبیعی است که مقابله آنان زندگی همه را در کره زمین به خطر می اندازد. راه حل آن مقابله غیر نظامی میتواند باشد.

توانایی رژیم بُش در برآه انداختن جنگ ها تابع تمویل خارجی است. جنگهای رژیم با رنگ سُرخ تمویل میشود. معنای آن این است که رژیم ملیاردها دلار قرض میگیرد. چون امریکاییان بیش از عاید خود مصرف میکنند، این قرض را از آنان نمیتوان به دست آورد.

امریکا کاملاً وابسته خارجیان است تا بودیجه و کسر تجارت خود را تمویل نماید. آن دولتهای خارجی که این کسر را تمویل میکنند شریک تجاوزها و جرایم جنگی امریکا میباشند. دو قرضه دهنده بزرگ امریکا چین و جاپان هستند. اما، عمل جاپان از این جهت درخور استهزاء است که جاپان خود حمله اتمی امریکا را آزموده است معهداً بازم در هنگامی که رژیم بُش برای حمله اتمی احتمالی بر ایران آمادگی میگیرد وظیفه بانکدار امریکا را انجام می دهد.

اگر سایر کشورهای جهان از خرید ذخایر امریکا خود داری نمایند و مازاد دلار خود را در مارکیت های مبادلات خارجی فرو اندازند سرپای رژیم بُش دچار بحران های اقتصادی میگردد و توانایی جنگیدن را از دست میدهد. غرور و نخوتی که با افسانه واهی "آبر قدرت انحصاری" وابسته است مانند حبابی می کفد و از میان میرود.

سقوط دلار این توانایی را نیز از امریکا سلب میکند که رهبران سایر کشورها را به نیروی دالریخرد و وادارد که به دلخواه امریکا عمل نمایند. رحلت دالر امریکایی تنها مسأله وقت است. هرگاه رحلت دالریخرد از حمله امریکا بر ایران تسریع گردد، جهان از جنگ و ویرانی در امان می ماند.

پایان

\*\*\*\*\*

پال کریگ رابرتس در اداره ریگن معاون سکرتر وزارت خزانه داری و معاون ایدیتروال استریت ژورنال وایدیتر نیشنل ریو بود. او یکی از دو نویسنده استبداد با نیت نیک ( Tyranny of good intention ) میباشد.